

عدد «هشت»

فاروق ایزدی‌نیا

در بعضی از آثار مشاهده شده که به عبارت "و یحمل عرش ربّک یومئذٍ ثمانیة" اشاره شده است.

در واقع اصل قضیه مربوط می‌شود به آیه ۱۷ از قرآن کریم، سوره «الحاقه»، که سوره ۶۹ این کتاب مبارک است، که در آن می‌فرماید، "و المَلِکُ عَلٰی اَرْجَائِهَا وِیَحْمَلُ عَرْشَ رَبِّکَ فَوْقَهُمْ یَوْمَئِذٍ ثَمَانِیةً." (که معنای تحت‌اللفظی آن این است: و فرشتگان بر کناره‌ها ایستاده باشند و عرش پروردگارت را در آن روز هشت [نفر] بر فراز خود حمل می‌کنند.)

اما شواهد نشان می‌دهد که مقصود از ثمانیة (۸)، تعداد نفرات یا ملائکه نیست. بلکه هشت حامل رقم نه یعنی اسم اعظم است. حضرت عبدالبهاء در تبیین آیه فوق می‌فرمایند، "اما الآیة المبارکة «و یحمل عرش ربّک یومئذٍ ثمانیة» اعلم ان الثمانیة حاملة للتسعة و هذه اشارة الی ان عدد الاسم الاعظم المقدّس تسعة لانها جالسة علی الثمانیة الحاملة لعرشها." [مضمون: و اما آیه مبارکة "و حمل می‌کند هشت در این روز عرش پروردگارت را" بدان که هشت حامل نه است و این اشاره به آن است که عدد اسم اعظم مقدّس نه است زیرا بر هشت که حامل عرش آن است، جالس گشته است.] (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۲، ص ۱۳۵)

جناب ابوالفضائل در شرح آیه فوق مرقوم داشته‌اند، "مثلاً اگر اهل ایمان در تفسیر آیه مبارکة «و یحمل عرش ربّک فوقهم یومئذٍ ثمانیة» بگویند مقصود از عرش، قلب مقدّس صاحب امر است و تعبیر از ثمانیة اشاره است به این

که در یوم دین انوار فائضه از عرش ربّ العالمین نسبت به سائر انبیاء و مرسلین بالمضاعف ظاهر گردد و به عبارت اوضح قوای شارع اعظم ضعیف قوای رسول اکرم باشد؛ زیرا که انبیاء و مرسلین قوای اربعه تنزیل وحی و تبلیغ ندا و رزق عباد و قهر و اماتة اهل عناد را که لازال اعراش ظهور به آن مؤید و منصور بوده‌اند به حمله عرش و ملائکه اربعه تعبیر فرموده‌اند و استعاره لفظ ثمانیه را مُشعر به ظهور موعود به ضعیف قوای سایر انبیاء و مرسلین مقرر داشته‌اند. (فرائد، طبع آلمان، ص ۳۰۳)

با توجه به شرح فوق، ثمانیه قوای مظهر ظهور در این یوم بدیع است که دو برابر مظاهر ادوار سابقه است و نشانه عظمت امر و مظهر آن است.

اما جمال مبارک می‌فرمایند که احرف ثمانیه در این یوم به حمل عرش می‌پردازند و آن اتمام و اکمال و ختم هیکل اسم اعظم است: "فلما أنتهی النداء و تمت الأحرف العزیه الغیبیه علی هیئة التثلیث فی هیکل الترییع و ظهر السرّ الأسری و الكنز الأخفی و حمل العرش الأحرف الثمانیه النوراء إذا تمّ و کمل و ختم هیکل الإسم الأعظم فی خاتم قدس حفیظ." (یادنامه مصباح منیر، ص ۲۲۳) [مضمون: زمانی که ندا به انتهی رسید و حروف عزیه غیبیه به هیأت تثلیث [۳(علی)] در هیکل ترییع [۴(حسین)] اتمام یافت، سرّ معراج [حضرت رسول] ظاهر گشت و کنز اخفی [جمال مبارک] به ظهور رسید و حروفات هشتگانه نورانی عرش [پروردگار] را حمل کردند و در آن موقع هیکل اسم اعظم در خاتم مقدس محفوظ به اتمام و اکمال رسید.]

این که بیان فرمودند سرّ اسری آشکار شد، اشارتی است به معراج حضرت رسول که به سوی عرش عروج فرمود. حضرت عبدالبهاء اشارتی گذرا به جمال مبارک دارند که، "هذا هو العرش الذی عرج الیه رسول الله..." (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۰۹)

در بیانی از جمال مبارک به همین نکته اشاره شده است، "هذا یومّ فیہ نادى محمد رسول الله فی قطب جنّة الرضوان «یا اهل الاکوان تالله قد ظهر محبوب

العالمین و مقصود العارفين. هذا هو الذى سمعتُ نداءه فى المعراج و ما رأيتُ جماله» الى أن بلغت الأيام الى هذا اليوم الذى به زينت أيام الله الملك العزيز الحميد." (اسرار الآثار، ج ۵، ص ۱۴۶) و در مورد معراج می فرماید، "قل ان معراج محمد؛ قد عرج سبعين الف سنة الى أن بلغ الى فناء هذا الباب." (رحیق مختوم، ج ۱، ص ۱۴۹)

برای آن که بدانیم مقصود از ثمانیه نیز خود حضرت بهاء الله است باید به این بیان مبارک جمال قدم توجه داشته باشیم که می فرمایند عرش پروردگار را جز خود او حمل نتواند: "قل فوالله انه اليوم لن يحملَ فيه عرش ربك إلا نفسه الحق و إنا بذلك لشاهدين." (مائدة آسمانی، ج ۴، ص ۳۲۷) [مضمون: بگو قسم به خداوند که امروز روزی است که عرش پروردگارت را ابداً کسی حمل نکند مگر خود او که حق است و ما بر آن گواهییم.]

جمال قدم در کتاب بدیع اشارتی دیگر به عدد هشت به نقل از حضرت ربّ اعلى دارند که، "هنالك يحمل عرش الله ملائكة العما فى الأنفس الثمان و قد كان الحكم فى أم الكتاب مشهودا" (کتاب بدیع، ص ۲۲۴) بعد در توضیح آن می فرمایند، "بعد که می فرماید حمل می نماید عرش پروردگار را ملائكة عما در انفس ثمانیه؛ همان برهانی است واضح که اهل بیان موقن به این ظهور نشوند الا قلیل؛ چنانچه به ثمانیه ذکر فرموده. چه که در اول هر ظهور چنین بوده تخصیص به این ظهور نداشته و ندارد. و مقصود از عرش در این مقام امرالله بوده و خواهد بود و کلمة الله بوده و خواهد بود و اول ما يتفوه به لسان الله بوده و خواهد بود و آن کلمه ای است که به فزع آیند از او کلّ من فى السموات و الأرض و منصعق شوند کلّ من فى جبروت الأمر و الخلق و آن کلمه ای است که به ثقل اکبر نامیده شده در الواح الله..." (ص ۲۲۵)

ملاحظه می‌شود که مقصود از کلمه‌الله که ظهورش سبب انصعاق سگان هر دو عالم امر و خلق است، جز اول من خلق‌الله، بهاء‌الله، قلم اعلیٰ، مشیت اولیه، کنز اخفی، نتواند بود.

به هر تقدیر، این حاملان عرش باید آنقدر مهم باشند که حضرت بهاء‌الله خداوند را به آنها قسم می‌دهند که ابواب برکت بر احباء مفتوح گردد: "یا رب الجنود و اله الوجود اسألك بِحَمَلَةِ عَرْشِكَ و ارتفاع سماء عنایتك بأن تُنزلَ من سحاب فضلك بركةً علی احبائک." (یادنامه مصباح منیر، ص ۳۰۵)